



بازنگری در قانون احزاب

علی زینی‌وند معاون سیاسی وزیر کشور در حاشیه نشست احزاب و فعالان سیاسی استان کرمان با اشاره به بازنگری قانون احزاب گفت: «می‌خواهیم فعالیت احزاب را در پیوند با قانون انتخابات جدی‌تر کنیم که تناسبی شدن، اولین گام اثرگذاری احزاب است. امیدواریم با همفکری مجلس شورای اسلامی، این انتخابات تناسبی را به مجلس نیز سرایت دهیم. چون در انتخابات تناسبی نقش احزاب بر جسته می‌شود.» زینی‌وند در ایجاد اندیشکده‌های احزاب گفت: «وقتی احزاب لیست می‌دهند و یک شورای شهر را در اختیار می‌گیرند و نماینده‌ای را به مجلس می‌فرستند، خودشان به عنوان اتاق فکر باید تعریف شوند و اندیشکده‌های حزبی تشکیل دهند. در واقع تشکیل‌یابی و سازماندهی در قالب احزاب می‌تواند دیدگاه‌های نخبگان و خلاقیت‌های جوانان را برای اداره کشور بسیج کند و در سوابق دانش اندوخته شده بماند.»



به منافع ملی فکر کنیم

مصطفی پورمحمدی، رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به اظهارات اخیر رئیس‌جمهوری مبنی بر اینکه «ما از آمریکا و اسرائیل نمی‌ترسیم، بلکه از دعوا و اختلافات داخلی می‌ترسیم و اگر همه با هم باشیم، بر همه مشکلات غلبه می‌کنیم»، تاکید کرد: «خداوند نیز فرموده است که اگر با هم متحد باشید و با هم دعوا و نزاع نکنید، نصرت خدا هم با شما همراهی می‌کند و حتماً از شر دشمنان خلاص خواهید شد.» وی همچنین در توصیه‌ای به جریانات داخلی گفت: «به جریانات داخلی توصیه می‌کنم که تنازع نکنیم و به منافع ملی فکر کنیم و همانطور که رهبری فرمودند «اتحاد مقدس» را از بین نبریم و نگذاریم که انسجام ملی مخدوش شود و به ایران عزیز ما آسیب برسد؛ این موضوع باید هدف همه ما باشد و انشاءالله با مورد توجه قرار دادن آن، هم مردم خوشحال می‌شوند و هم خدای متعالی از ما راضی می‌شود.»



توصیه به مذاکره ساده‌لوحی سیاسی است

احمد خاتمی، امام جمعه موقت تهران در خطبه‌های نماز جمعه این هفته گفت: «برجام، آن قرارداد کذایی ده‌ساله به پایان رسید. راجع به برجام و این پرونده غمبار، دنیای حرف‌ها وجود دارد. من نمی‌خواهم از این دنیای حرف در این فرصت کم صحبت کنم، ولی فقط می‌خواهم یک نکته عبرت‌آموز را بگویم و آن این است که معارف ما می‌گویند نباید به دشمن، به همه چیز دشمن، ولو لیخنشد، اعتماد کرد و باید بدبین بود. قصه این است که باید عبرت گرفت.» او ادامه داد: «عبرت یعنی عبور کردن از گذشته و گذشته را چراغ راه آینده قرار دادن. این عبرت می‌گوید که ترامپ این قرارداد برجام را پیش چشم جهانیان پاره کرد. این آمریکا قابل مذاکره نیست. توصیه به مذاکره ساده‌لوحی سیاسی است، همچنین نسخه داند که داوطلبانه تعلیق غنی‌سازی را بپذیرید. مذاکره جامع یعنی حتی در خصوص مسائل موشکی مذاکره کنیم. این‌ها نشان آن است که گویندگان این سخن عبرت نگرفته‌اند.»

گزارش حقوق



عدالت‌خواهی ملی

گفتارهایی درباره چگونگی پاسخ حقوقی به تجاوز ۱۲ روزه به ایران

گروه سیاست: هفته جاری، موسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، نشست‌هایی را با عنوان «پاسخ حقوقی به تجاوز ۱۲ روزه؛ از عدالت‌کفری تا عدالت ترمیمی» برگزار کرد که دومین پنل این نشست، با عنوان «عدالت‌خواهی ملی» به بررسی مسائلی داخلی مربوط بود. در این نشست، مهدی هادی (معاون حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه)، علی خالقی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران) و سیدحسین سادات‌میدانی (عضو هیئت علمی دانشکده روابط وزارت خارجه) مباحثی را مطرح کردند. آنچه در ادامه می‌آید، گزیده‌ای از مهمترین مباحث مطرح شده در این پنل توسط چهار سخنران است:

▼ خلا‌های قانونی

مهدی هادی



معاون حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه

با گذشت مدت قابل توجهی از این جنایت، نه دستگاه حاکمیت و نه جامعه حقوقی، هنوز به یک انسجام فکری نسبت به مواجهه با این جنایت ۱۲ روزه نرسیده‌اند. یکی از دلایل اصلی این عدم انسجام فکری، پیچیدگی خود موضوع است. در خصوص اصل جنگ با هر تفسیری که شما می‌خواهید داشته باشید، مطابق منشور، این قابل توجه نیست. از طرف دیگر، شما با رژی می‌مواجه هستید که این را به رسمیت نمی‌شناسد. حالا اگر طرح دعوی حقوقی - کیفری کنیم، آیا مستلزم بحث شناسایی هست یا نیست؟ نسبت به ایالات متحده شما به چه کیفیتی می‌توانید طرح دعوی کنید؟ نهاد مشترک وجود ندارد. آخرین متن با معاهده‌ای که ما می‌توانستیم به آن مراجعه کنیم دیوان کیفری بین‌المللی بود؛ که آن هم آمریکا از آن خارج شد.

از بحث‌های بین‌المللی خارج شویم. داخل کشور، آیا اصلاً قوه قضائیه یا محاکم داخلی راجع به موضوع «حق بر جنگ» می‌توانند ورود کنند یا خیر؟ و در آن جنایات جنگی که رخ داد، اگر بخواهد محکمه داخلی ورود کند، مستند قانونی به آن چیزی که قانون ماهوی داخلی باشد، محکمه‌ما از آن برخوردار هست یا خیر؟ در آن اندازه‌ای که به قوه قضائیه مربوط است، با چه اتهامی می‌خواهید تشکیل پرونده دهید؟ درحالی‌که قانون ندارد که بر اساس آن در کیفرخواست به آن استناد کنید یا دادگاه بخواهد رای صادر کند. این مقدمه‌ای بود که خواستم عرض کنم و توجهی بشود که علت اینکه من عرض کردم یک عدم انسجام فکری هست، چیست.

اما دلایلی وجود دارد که ورود قوه قضائیه را کاملاً توجیه می‌کند. فارغ از اینکه این حمله را چه شخصی و چه نهادی انجام داده، این کار مصداق بارز یک جنایت و جرم بود. همه این‌ها را اگر یک شخصی ایرانی انجام می‌داد، اولین کسی که پیشگامش بود، قوه قضائیه بود. پس این نشان می‌دهد که ورود قوه قضائیه یک ورود ضروری است. علت دوم، ماده ۲۹۰ آیین دادرسی کیفری است که مسئولیتی قانونگذار به دادستان کل داده که اگر دعوی هم سابقه بین‌المللی داشته باشد، پیگیری و نظارتش با دادستان کل است. علت سوم، اگر چه محوریت کار مطابق مصوبات شورای عالی امنیت ملی، با معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری بود، اما بعد از آن، بیاناتی که رهبر معظم انقلاب داشتند خطاب به قوه قضائیه که «شما مسئول پیگیری این جنایت هستید»، به نظر می‌رسد که مسئولیت قوه قضائیه، مسئولیت مضاعفی شده است. دلیل آخر هم این است که شما اگر بخواهید از این ظرفیت برای پیگیری‌های حقوقی استفاده کنید، مؤثرترین نقشی که

می‌تواند یک نهاد داخل کشور ایجاد کند، باز هم همین ورود قوه قضائیه است. شما اگر بخواهید به هر کیفیتی (مثل بند ۲ ماده ۱۲) مراجعه به دیوان کنید، شروع و زیربنای آن خود محاکم داخلی می‌شود. یعنی نحوه ورودش محاکم داخلی شما به این پرونده، خیلی می‌تواند مؤثر باشد که بعدها نحوه ورود دیوان را می‌تواند توجیه کند. اگر محکمه قضایی با بُعد حقوقی بخواهد ورود کند، مهم‌ترین نقشی که می‌توانیم الان در محاکم ایفا کنیم، بررورد درست و صحیح خسارات است که آنجا بتوانیم مطالبه کنیم.

اولین ورود ما، برطرف کردن خلأهای قانونی است که به برخی از این اقدامات اشاره می‌کنم:

مسئله اول، بحث تروریسم است. ما قانون ماهوی داخلی نداریم که تعریف از تروریسم داشته باشید. لایحه‌ای در قوه قضائیه تهیه شد و در مراحل پایانی است که این خلأ برطرف شود. لایحه بعدی، لایحه همکاری‌های قضایی بین‌المللی است که ۱۵۰ ماده دارد و به دولت و مجلس ارسال شد.

اما مهم‌ترین لایحه که می‌تواند مشکلات زیادی را حل کند، لایحه جنایات بین‌المللی است. این لایحه بین‌المللی که در قوه قضائیه تهیه شد، تقریباً چهار هفته قبل در دولت به تصویب رسید و به مجلس ارسال شد. من به برخی از اقدامات این لایحه که متناسب با جنایات اخیر ۱۲ روزه است، اشاره می‌کنم:

اول اینکه، نسبت به چهار عنوانی که خلأ وجود داشته (یعنی جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، تجاوز و نسل‌کشی) جرم‌انگاری مستقل صورت گرفته و این خلأ قانونی در کشور بعد از اینکه این تبدیل به قانون شد، وجود نخواهد داشت. مهم‌ترین بحثی که الان نیاز ضروری است، بحث جنایات جنگی است و تقریباً مشابه همان تعریفی که ماده ۸ دیوان دارد، شده است. اما چون بحث جنایات جنگی است و با مباحث مربوط به حقوق در جنگ ارتباط دارد، مقررات مشابه هم دیده شده است.

در خصوص جنایت علیه بشریت، یکی از کارهایی که بومی‌سازی صورت گرفت، ملاحظاتی بود که در بند ۶ ماده ۷ دیوان آمده و آن بحث «تعقیب» است که در این لایحه حذف شده است. چون احساس کردیم می‌تواند مشکلاتی برای کشور ایجاد کند.

باز هم از جمله کارهایی که در تدوین این لایحه صورت گرفت، توجه به کمیسیون ۲۰۱۹ حقوق بین‌الملل و آخرین متنی است که کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به جنایت علیه بشریت کار کرده است.

راجع به نسل‌کشی هم متن داشتیم. ایران در سال ۱۳۳۴ به کنوانسیون «منع و مجازات نسل‌کشی» ملحق شده است و کنوانسیون از ۱۹۵۱ اجرا شده است. آنجا تعهد به جرم‌انگاری این جرم وجود دارد، ولی الان ۷۰ سال است که به این تعهد عمل نشده است. برای اولین بار در این لایحه، جرم‌انگاری تقریباً با همان ادبیات مشترک مورد توجه واقع شده و تعریف تقریباً یکسان است.

یکی از مشکلاتی که الان داریم، بحث نحوه طرح دعوی است. الان دو مسیر هست که هر دو مسیر طی شده است. یکی بحث شعبه ۱۰۵ با سابقه حقوقی که پرونده‌هایی تشکیل شده است و یکی هم معاونت بین‌الملل که از دو مسیر شکایات را دریافت کرده است.

اما مسئله‌ای که با آن مواجه هستیم، بحث مطالبه

خسارت است: نحوه برآورد خسارت و مطالبه خسارت با آن استانداردهایی که ما داریم، مقداری متفاوت است از آن چیزی که ما فردا بخواهیم در یک مرجع بین‌المللی از آن استفاده کنیم. می‌توان مطالبه خسارت معنوی کرد، ولی به رویه که نگاه کنید، غالباً به این سمت است که خسارت معنوی را به سمت بحث‌های حیثیت و اعتباری برده است. اما آنچه که محاکم دیگر کشورها به آن توجه ویژه می‌کنند، بحث خسارت‌های روانی هست و سوال این هست که آیا خسارت معنوی همان خسارت روانی هست یا خیر؟ و محاکم می‌توانند از همین واژه خسارت معنوی استفاده کنند و آسیب‌های روانی را هم پوشش بدهند؟ به نظرم در اینجا یک مقداری باید هم رویه تغییر پیدا بکند، هم اگر شد، اصلاحاتی صورت بگیرد.

فرض کنید که یکی از آسیب‌های روانی که الان مطرح می‌شود، به اصطلاح تروما یا استرس پس از سانحه هست. یعنی یک حادثه‌ای پیش می‌آید، یک شخصی بعد از آن حادثه دچار به اصطلاح تروما می‌شود. در شرایط عادی، شخصی داخل کشور بخواهد به دادگاه مراجعه کند که من خسارت ناشی از این به اصطلاح استرس پس از تروما را مطالبه می‌کنم، خیلی سخت این دعوی پذیرفته می‌شود.

مشکل دیگری که ما با آن مواجه هستیم، کثرت افرادی است که الان مطالباتی دارند، ولی پراکندگی وجود دارد که این‌ها باید در کدام شهر طرح دعوی کنند؟ آیا فقط محوریت را به خاطر اهمیت جرم به تهران دهیم؟ اگر بخواهیم از این طریق دعوی کنند، آیا نیاز است که دادخواست‌ها یکسان باشد؟ من پیشنهادی دادم که آیا ما می‌توانیم از ظرفیت دعوی جمعی یا ClassAction استفاده کنیم؟ که البته در کشورهایی استفاده می‌کنند، غالباً به خسارت‌های ناشی از جرم پرداخته نمی‌شود؛ ولی ما می‌توانیم از این ظرفیت استفاده کنیم.

▼ جنایات بین‌المللی و سه نیاز

علی خالقی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



وقتی که توجه کنیم جنایاتی که اتفاق افتاده، جنایاتی بین‌المللی هست، طبیعی است که اولین بار و در وادی امر، برای مبارزه با این جنایات نگاه‌ها و ادهان متوجه محاکم بین‌المللی می‌شود. اما رسیدگی در دادگاه‌های بین‌المللی کند و زمان‌بر هست. مرور زمان هم ندارند. عجله‌ای ندارند که بخواهند شتاب‌زده عمل کنند. محدودیت‌ها و تنگنای عملی برای رسیدگی هم دارند. چون الان دادگاه بین‌المللی (به‌ویژه دیوان کیفری بین‌المللی) دائماً مبتنی بر معاهده و موافقتنامه است و اگر دولتی عضو آن موافقتنامه نباشد، این مشکلات خودش را نشان می‌دهد.

فعلاً چاره‌ای نداریم که منتظر بمانیم تا برخی موانع برطرف شود. حالا تا موانع برطرف نشده، سازوکارهای ملی چه هست؟ وقتی که از سازوکارهای ملی یا محاکم ملی صحبت می‌کنم، منظورم اعم از محاکم ملی داخلی و خارجی است. هر وقت صحبت از مبارزه دادگاه‌های ملی با جنایات بین‌المللی می‌شود، ما به سه چیز احتیاج داریم: جرم‌انگاری، صلاحیت، معاضدت.

از حیث جرم‌انگاری، اول از محاکم خودمان شروع کنم. اصل کلی در حقوق بین‌الملل این است که دولت‌ها مکلف‌اند جنایات بین‌المللی ارتکابی در قلمرو خودشان را تعقیب و محاکمه کنند. از آن سه شرط، ما در زمینه جرم‌انگاری، کمبودهایی داریم که تا به حال برطرف نشده است. یک اقدامی در مجلس ششم شروع شد اما با مخالفت شورای نگهبان مواجه شد، به جمع تشخیص مصلحت نظام رفت و آن را در کشوی میز رئیس مجمع گذاشتند و دیگر رسیدگی نشد.

ایران شاگرد تنبیل کلاس حقوق بین‌الملل است. ایران در زمینه آنچه که باید از حقوق بین‌الملل بگیرد، کوتاهی زیاد دارد. خیلی دیر به معاهدات می‌پیوندیم. نمونه اخیرش کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم است که ما چند روز پیش بعد از انتظار بسیار آن را پذیرفتیم، آن هم با شرط و شروطی که خودمان می‌خواهیم. پس در زمینه جرم‌انگاری خیلی کوتاهی داریم. وقتی هم که می‌پیوندیم، تازه با شروطی که اگر نگاه ببرونی به این باشد، می‌گویند که خُب خسته نباشید، حالا چی‌کار کردید؟

در بعضی از کشورها مثل فرانسه، وقتی که می‌خواهند به یک معاهده بپیوندند و آن معاهده با قانون اساسی‌شان در تعارض هست، اول قانون اساسی را اصلاح می‌کنند که مانع پیوستن به کنوانسیون از بین برود و بعد به آن معاهده می‌پیوندند و بعد از آن هم جالب است که همان روز یا با اندکی فاصله (چند ماه بعد) دولت به مجلس لایحه می‌دهد و خواهان این است که مواد معاهده در این کنوانسیون به صورت قانون دربیاید. در حالی‌که ما فکر می‌کنیم وقتی که به معاهده پیوستیم، کارمان تمام شد. درحالی‌که تازه کار شروع می‌شود. تازه اقدامات تقنینی لازم‌ه برای جرم‌انگاری، برای ایجاد صلاحیت جهت محاکم، برای معاضدت قضایی، برای اجرای آن شروع می‌شود.

در زمینه صلاحیت، تقریباً مشکلی نداریم. جنایات در خاک ما اتفاق افتاده است (یعنی صلاحیت سرزمینی). این شکل از صلاحیت را هم به گونه‌ای گسترده پذیرفته‌ایم که حتی اگر افرادی در رژیم اسرائیل اقداماتی انجام داده باشند بدون اینکه اینجا خودشان عملی انجام داده باشند، ما می‌توانیم به جنایات آنها هم رسیدگی کنیم به دلیل اینکه نتیجه در